



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

احکام؛ نکاح، حجاب و روابط جنسی

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: سریر

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۰/۱۷

ازدواج با غیر مسلمان چه حکمی دارد؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۰/۲۸

به طور کلی ازدواج مسلمان با غیر مسلمان در ذیل سه عنوان قابل بررسی است:

۱. ازدواج مسلمان با غیر مسلمانی که اهل کتاب محسوب نمی‌شود.

میان مسلمانان اختلافی نیست که ازدواج مسلمان با غیر مسلمانی که اهل کتاب - یعنی معتقد به یکی از کتاب‌های نازل شده از جانب خداوند مانند تورات و انجیل - محسوب نمی‌شود، جایز نیست؛ زیرا غیر مسلمانی که اهل کتاب محسوب نمی‌شود، قطعاً مشرک یا کافر محسوب می‌شود و خداوند در کتاب خود فرموده است: ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ ۚ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ ۚ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ ۗ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ۗ﴾؛ «و زنان مشرک را به زنی نگیرید تا آن گاه که ایمان آورند و هرآینه کنیزی باایمان از زنی مشرک بهتر است اگرچه شما را خوش آمده باشد و به مردان مشرک زن ندهید تا آن گاه که ایمان آورند و هرآینه برده‌ای باایمان از مردی مشرک بهتر است اگرچه شما را خوش آمده باشد، آنان به سوی آتش فرا می‌خوانند» و فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِهْجَرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ ۚ إِنَّهُنَّ عَلِمْتُموهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَأَهُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ ۚ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! هرگاه زنان مؤمن با هجرت به نزد شما آمدند آنان را بیازمایید، خداوند به ایمانشان دانایتر است، پس اگر آنان را مؤمن دانستید، آنان را به سوی کافران بازنگردانید؛ زیرا نه اینان برای آنان حلالند و نه آنان برای اینان حلالند». بی‌گمان این دو آیه صریح در آنند که

۱. البقرة / ۲۲۱

۲. الممتحنة / ۱۰

ازدواج مرد مسلمان با زن مشرک یا کافر و ازدواج زن مسلمان با مرد مشرک یا کافر، مطلقاً حرام است. به علاوه، از آیهی دوم دانسته می‌شود که زن مسلمان اگر پیش از اسلام آوردن با مرد مشرک یا کافر ازدواج کرده، پس از اسلام آوردن مکلف است که از او جدا شود؛ همچنانکه مرد مسلمان اگر پیش از اسلام آوردن با زن مشرک یا کافر ازدواج کرده، پس از اسلام آوردن مکلف است که از او جدا شود؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَلَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ»؛ «و پیوند با زنان کافر را نگاه ندارید».

۲. ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمانی که اهل کتاب محسوب می‌شود.

میان مسلمانان درباره‌ی ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمانی که اهل کتاب محسوب می‌شود، اختلاف نظر است؛ به این ترتیب که اهل سنت و جماعت به استثنای ابن عمر^۲، زهری و قتاده بنا بر روایت عبد الرزاق^۳ معتقد به جواز آن هستند، ولی بیشتر اهل تشیع آن را حرام می‌پندارند، مگر در خصوص ازدواج موقت که آن را جایز می‌شمارند، در حالی که این نظر عجیبی است؛ چراکه خداوند در کتاب خود صریحاً فرموده است: «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ»؛ «امروز چیزهای پاکیزه برایتان حلال شد و طعام کسانی که کتاب داده شدند برایتان حلال است و طعام شما برای آنان حلال است و زنان خویشان دار از مؤمنان و زنان خویشان دار از کسانی که پیش از شما کتاب داده شدند» و این جایی برای بحث درباره‌ی حلال بودن ازدواج با زنان اهل کتاب مانند ازدواج با زنان مؤمن باقی نمی‌گذارد و با این وصف، نظر مشهور شیعه مصداق حرام کردن چیزی است که خداوند حلال کرده و درباره‌ی آن فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرُمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ»؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! چیزهای پاکیزه‌ای که خداوند برایتان حلال کرده است را حرام نکنید»، اگرچه مستند به برخی روایات اهل بیت باشد؛ زیرا بارها گفته‌ایم که از یک سو اهل بیت -بنا بر حدیث متواتر ثقلین- هیچ گاه از کتاب خداوند جدا نمی‌شوند و از سوی دیگر روایات -هر چند متعدد باشند- نمی‌توانند کتاب خداوند را نسخ یا تخصیص کنند، بل حدّ اکثر می‌توانند کراهت چیزی را اثبات کنند که در آن حلال شمرده شده است؛ خصوصاً با توجه به اینکه نوعاً قابل حمل بر کراهت، بلکه ظاهر در آن هستند؛ مانند روایت زرارة بن أعین از ابو جعفر باقر که در آن آمده است: «لَا يَنْبَغِي نِكَاحُ أَهْلِ الْكِتَابِ»؛ «ازدواج با اهل کتاب شایسته نیست» و روایت محمد بن مسلم از او که در آن آمده است:

۱. الممتحنة / ۱۰

۲. صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۷۲

۳. تفسیر عبد الرزاق، ج ۱، ص ۸۹؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۱۷۵ و ۱۷۹

۴. المائدة / ۵

۵. المائدة / ۸۷

۶. در این باره، بنگرید به: بازگشت به اسلام، ص ۲۰۱ تا ۲۰۳.

۷. الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۳۵۸؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۷، ص ۲۹۷

«لَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْيَهُودِيَّةَ وَلَا النَّصْرَانِيَّةَ وَهُوَ يَجِدُ مُسْلِمَةً حُرَّةً أَوْ أَمَةً»^۱؛ «برای مرد مسلمان زبیده نیست که با زن یهودی یا مسیحی ازدواج کند در حالی که زن مسلمان آزاد یا کنیزی می‌یابد» و روایت عبد الله بن سنان از جعفر بن محمد صادق که در آن آمده است: «مَا أَجِبَ لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْيَهُودِيَّةَ وَالنَّصْرَانِيَّةَ مَخَافَةَ أَنْ يَتَّهَدَّ وَلَدُهُ أَوْ يَتَنَصَّرَ»^۲؛ «برای مرد مسلمان دوست نمی‌دارم که زن یهودی و مسیحی بگیرد از بیم آنکه مبادا فرزندش یهودی یا مسیحی شود» و این قول عمر بن خطاب از صحابه است^۳ که عطاء^۴ و شافعی^۵ از اهل سنت آن را پذیرفته‌اند و با این وصف، قول به حرمت از اهل بیت ثابت نیست، بل قول ثابت از آنان کراهت است که از کتاب خداوند نیز استنباط می‌شود؛ چراکه در آن ازدواج با زنان مؤمن پیش از ازدواج با زنان اهل کتاب یاد شده و این مشعر به تقدّم اولی بر دومی است؛ چنانکه روایات صحیح و صریحی از اهل بیت در این باره رسیده؛ مانند صحیح‌های معاویه بن وهب از جعفر بن محمد صادق که در آن آمده است: «سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ يَتَزَوَّجُ النَّصْرَانِيَّةَ وَالْيَهُودِيَّةَ؟ فَقَالَ: إِذَا أَصَابَ الْمُسْلِمَةَ فَمَا يَصْنَعُ بِالْيَهُودِيَّةِ وَالنَّصْرَانِيَّةِ؟ قُلْتُ: يَكُونُ لَهُ فِيهَا الْهَوَى، فَقَالَ: إِنْ فَعَلَ فَلَيْمَنْعَهَا مِنْ شُرْبِ الْخَمْرِ وَأَكْلِ لَحْمِ الْخَنَزِيرِ وَأَعْلَمَ أَنَّ عَلَيْهِ فِي دِينِهِ غَضَاةً»^۶؛ «از آن حضرت درباره‌ی مرد مؤمن پرسیدم که با زن مسیحی و یهودی ازدواج می‌کند؟ فرمود: هرگاه زن مسلمان می‌یابد با زن مسیحی و یهودی چه کار دارد؟! گفتیم: به او علاقه‌مند است! فرمود: اگر این کار را می‌کند باید او را از نوشیدن شراب و خوردن گوشت خوک باز دارد و بدان که این مرد را در دینش ضعفی هست!»

آری، برخی عالمان شیعه با استناد به روایتی واحد در کتاب الکافی^۷ مدّعی شده‌اند که آیه‌ی سوره‌ی مائده به وسیله‌ی آیات سوره‌ی بقره و ممتحنه نسخ شده است، در حالی که چنین چیزی ممکن نیست؛ زیرا سوره‌ی مائده مسلماً پس از سوره‌ی بقره و ممتحنه نازل شده و نسخ سوره‌ی پسین به وسیله‌ی سوره‌ی پیشین محال است! با این وصف، اگر یکی از آن دو ناسخ دیگری باشد، لاجرم آیه‌ی سوره‌ی مائده است. هر چند به نظر می‌رسد که مراد خداوند از «الْمُشْرِكَاتِ» و «الْكُوفَرِ» در آیات سوره‌ی بقره و ممتحنه، زنان مشرک و کافری مانند زنان مشرک و کافر مکه هستند که در زمان نزول آن دو اهل کتاب نبودند؛ خصوصاً با توجه به اینکه اهل کتاب در کتاب خداوند با مشرکان و کافران مغایرت دارند؛ چنانکه به عنوان نمونه، فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ

۱. الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۳۵۸؛ الإستبصار للطوسی، ج ۳، ص ۱۸۰

۲. الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۳۵۱

۳. مصنف عبد الرزاق، ج ۶، ص ۷۸؛ سنن سعید بن منصور، ج ۱، ص ۱۹۳؛ جامع البیان عن تأویل آی القرآن للطبري، ج ۲، ص ۵۱۴؛

السنن الكبرى للبيهقي، ج ۷، ص ۱۷۲

۴. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۳، ص ۲۹۶

۵. کتاب الأم للشافعي، ج ۵، ص ۷

۶. النوادر للأشعري القمي، ص ۱۱۹؛ الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۳۵۶؛ من لا يحضره الفقيه لابن بابويه، ج ۳، ص ۴۰۷؛ الإستبصار

للطوسي، ج ۳، ص ۱۷۹

۷. الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۳۵۸



وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱؛ «هرآینه کسانی که ایمان آوردند و یهودیان و صابئان و مسیحیان و زرتشتیان و کسانی که مشرک هستند، هرآینه خداوند در روز قیامت میانشان جدایی می اندازد» و فرموده است: ﴿لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتُلوْنَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ۖ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ^۲؛ «یکسان نیستند، از اهل کتاب گروهی بر پا هستند که آیات خداوند را در ساعات شب می خوانند در حالی که سجده می کنند، به خداوند و روز واپسین ایمان دارند و به معروف امر و از منکر نهی می نمایند و در خیرات پیشی می گیرند و آنان از نیکوکارانند» و فرموده است: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ^۳؛ «بگو ای اهل کتاب! بیایید به سوی کلمه ای یکسان میان ما و شما و آن اینکه جز خداوند را نپرستیم و چیزی را شریک او نسازیم و برخی مان برخی دیگر را خداوندگارانی جز خداوند نگیرند، پس اگر روی گرفتند بگوید گواه باشید که ما مسلمانیم». با این وصف، بعید نیست که تحریم ازدواج با «الْمُشْرِكَاتِ» و «الْكُوفَرِ» در سوره ی بقره و ممتحنه، شامل زنان اهل کتاب نباشد تا تحلیل آن در سوره ی مائده، تخصیص آن باشد و این قول سعید بن جبیر^۴، قتاده^۵ و طبری^۶ است، ولی واقع آن است که کفر و شرک در کتاب خداوند دارای مراتب مختلفی است و قطعاً مرتبه ی پایین تری از آن شامل اهل کتاب -خصوصاً مسیحیان- می شود و آن به سبب عدم اعتقادشان به اسلام و اعتقادشان به تثلیث و خداوندگارانی جز خداوند است؛ چنانکه فرموده است: ﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ^۷؛ «هرآینه کسانی که گفتند خداوند همانا مسیح پسر مریم است کافر شدند» و فرموده است: ﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ^۸؛ «هرآینه کسانی که گفتند خداوند یکی از سه است کافر شدند» و فرموده است: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ^۹؛ «عالمان و راهبانان را خداوندگارانی جز خداوند گرفتند و نیز مسیح پسر مریم را در حالی که امر نشدند مگر به اینکه خدایی یگانه را بپرستند، خدایی جز او نیست، او از چیزی که شریک می گیرند منزّه است» و فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ^{۱۰}؛ «هرآینه کسانی که از اهل کتاب که

۱. الحج/ ۱۷

۲. آل عمران/ ۱۱۳ و ۱۱۴

۳. آل عمران/ ۶۴

۴. السنن الكبرى للبيهقي، ج ۷، ص ۱۷۱

۵. تفسير القرآن لعبد الرزاق، ج ۱، ص ۸۹

۶. جامع البيان عن تأويل أي القرآن للطبري، ج ۲، ص ۵۱۲

۷. المائدة/ ۱۷

۸. المائدة/ ۷۳

۹. التوبة/ ۳۱

۱۰. البينة/ ۶

کافر شدند و مشرکان در آتش جهنم هستند و جاودان در آن می‌مانند، آنان بدترین مخلوقات اند»، بلکه فرموده است: **﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾**^۱؛ «بجنگید با کسانی که به خداوند و به روز واپسین ایمان نمی‌آورند و چیزی که خداوند و پیامبرش حرام کرده اند را حرام نمی‌کنند و به دین حق متدین نمی‌شوند از کسانی که کتاب داده شدند تا آن گاه که جزیه را با دست خود بپردازند در حالی که حقیر هستند» و با این وصف، حق آن است که عموم **﴿المُشْرِكَاتِ﴾** و **﴿الْكُوفَرِ﴾** شامل آنان و شامل هر غیر مسلمان دیگری از ملت‌های گوناگون می‌شود، اگر چه به سبب بت‌پرستان عرب نازل شده باشد؛ زیرا ملاک در این قبیل قضایا که حقیقیه به نظر می‌رسند عموم لفظ است، نه خصوص سبب و با این وصف، قول به تخصیص آیات سوره ی بقره و ممتحنه به وسیله آیهی سوره ی مائده، موافق با قاعده است و آن قول ابن عباس^۲، عکرمه، حسن بصری، ربیع بن انس^۳، مکحول، ضحاک، زید بن اسلم^۴ و مجاهد^۵ است، بلکه ابن حجر^۶ آن را قول اکثر دانسته و به علی بن ابی طالب نیز نسبت داده شده است^۷؛ خصوصاً با توجه به عبارت **﴿الْيَوْمَ أَجِلْ لَكُمْ﴾**؛ «امروز برای شما حلال شد» در آغاز آن که به مخصّص بودنش إشعار دارد، هر چند در ادامه پیش از حلال بودن زنان اهل کتاب از حلال بودن زنان مؤمن سخن گفته و این إشعار آن را کاسته است.

به هر حال، تردیدی نیست که ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب -هرگاه عقیقه باشد- مطلقاً حلال است، جز آنکه در غیر موارد ضرورت کراهت دارد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ نِكَاحِ الْيَهُودِيَّاتِ وَالنَّصْرَانِيَّاتِ، فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ إِنْ كُنَّ مُحْصَنَاتٍ، قُلْتُ: وَمَا الْمُحْصَنَاتُ؟ قَالَ: غَيْرُ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ، قُلْتُ: إِنَّهُنَّ يَقُولُونَ إِنَّ الْمُحْصَنَاتِ الْحَرَائِرُ! قَالَ: ذَلِكَ لِأَنَّهُ كَانَ يُقَالُ لَا تَزْنِي الْحُرَّةُ، ثُمَّ قَالَ: إِيَّاكُمْ وَالنَّصْرَانِيَّاتِ، فَإِنَّ أَكْثَرَهُنَّ الْفَوَاجِرُ»^۸؛ «از منصور درباره ی ازدواج با زنان یهودی و مسیحی پرسیدم، پس فرمود: اگر محصنات باشند اشکالی ندارد، گفتم: محصنات کیانند؟ فرمود: زنانی که زناکار نیستند و دوست (پسر) نمی‌گیرند، گفتم: اینان می‌گویند که محصنات زنان آزاد هستند! فرمود: این برای آن است که گفته می‌شد زن آزاد زنا نمی‌کند، سپس فرمود: از زنان مسیحی پرهیزید؛ چراکه بیشترشان فاجرند».

۱. التوبة / ۲۹

۲. جامع البیان عن تأویل آی القرآن للطبري، ج ۲، ص ۵۱۱؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۷، ص ۱۷۱

۳. جامع البیان عن تأویل آی القرآن للطبري، ج ۲، ص ۵۱۲

۴. تفسير القرآن العظيم لابن أبي حاتم، ج ۲، ص ۳۹۷

۵. تفسير مجاهد، ج ۱، ص ۱۰۶

۶. فتح الباري لابن حجر، ج ۹، ص ۳۶۷

۷. بنگرید به: وسائل الشيعة للحر العاملي، ج ۲۰، ص ۵۳۸؛ البرهان في تفسير القرآن للبحراني، ج ۱، ص ۸۱؛ بحار الأنوار للمجلسي، ج ۹۰، ص ۲۸.

۸. گفتار ۱۶۰، فقره ۱

۳. ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمانی که اهل کتاب محسوب می‌شود.

میان مسلمانان اختلافی نیست که ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان -اگرچه اهل کتاب باشد- جایز نیست و این در صورتی که آیهی سورهی مائده را ناسخ آیات سورهی بقره و ممتحنه بدانیم واضح است؛ چراکه عموم آیات سورهی بقره و ممتحنه، ازدواج مردان و زنان مسلمان با زنان و مردان اهل کتاب را شامل می‌شود و خصوص آیهی سورهی مائده، تنها ازدواج مردان مسلمان با زنان اهل کتاب را از آن خارج می‌کند و با این وصف، ازدواج زنان مسلمان با مردان اهل کتاب در آن باقی می‌ماند و در صورتی که آیهی سورهی مائده را ناسخ آیات سورهی بقره و ممتحنه ندانیم هم پوشیده نیست؛ چراکه خداوند در کتاب خود از یک سو مردان را قیّم بر زنان دانسته و فرموده است: **«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»**^۱؛ «مردان قیّم بر زنان هستند» و از سوی دیگر هیچ قیمومیتی برای کافران بر مسلمانان را به رسمیت نشناخته و فرموده است: **«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»**^۲؛ «و هرگز خداوند هیچ راهی برای کافران بر مؤمنان قرار نداده است» و مرادش از «کافران» در اینجا -بنا بر عموم لفظ و به قرینهی تقابل- همه‌ی «غیر مؤمنان» است که قطعاً شامل اهل کتاب هم می‌شود؛ همچنانکه «عزّت» به معنای آقایانی را تنها شایسته‌ی خداوند، پیامبر و مؤمنان دانسته و فرموده است: **«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»**^۳؛ «و عزّت برای خداوند و برای پیامبرش و برای مؤمنان است» و اراده نموده که کافران زیردست و مسلمانان بالادست باشند و فرموده است: **«وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا»**^۴؛ «و سخن کسانی که کافر شدند را فروتر قرار داد و سخن خداوند آن بالاتر است» و با این وصف، ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان -اگرچه اهل کتاب باشد- بر خلاف اصول، اهداف و سیاست اسلام است و مشروعیت ندارد؛ خصوصاً با توجّه به اینکه از یک سو فرزندان حاصل از آن بنا بر آیهی **«ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ»**^۵؛ «آنان را برای پدرانشان بخوانید» -ولو عرفاً- به مرد غیر مسلمان ملحق می‌شوند و تحت ولایت او قرار می‌گیرند و این مستلزم افزایش و غلبه‌ی کافران است و از سوی دیگر خداوند در سورهی مائده، زنان اهل کتاب را برای مردان مسلمان حلال دانسته، ولی مردان اهل کتاب را برای زنان مسلمان حلال ندانسته، در حالی که در سورهی بقره و ممتحنه، زنان مشرک و کافر را برای مردان مسلمان و مردان مشرک و کافر را برای زنان مسلمان -به تفصیل- حرام دانسته و این -حتّی اگر تخصیص نباشد- مشعر به آن است که مردان اهل کتاب برای زنان مسلمان حلال نیستند. افزون بر آنکه بنا بر مشاهده و تجربه، نوع مردان بر نوع زنان خود تأثیر و غلبه دارند و می‌توانند عقاید و اعمال آنان را دگرگون سازند و با این وصف، ازدواج زنان مسلمان با مردان اهل کتاب،

۱. النساء / ۳۴

۲. النساء / ۱۴۱

۳. المنافقون / ۸

۴. التوبة / ۴۰

۵. الأحزاب / ۵



مصدق پیروی‌شان از گام‌های شیطان و انداختن خود در معرض هلاکت معنوی است که خداوند از آن نهی کرده و فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^۱؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! از گام‌های شیطان پیروی نکنید و هر کس از گام‌های شیطان پیروی کند، همانا او به زشتی و بدی امر می‌کند» و فرموده است: «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»^۲؛ «و خودتان را با دستانتان به معرض هلاکت نیندازید» و از این رو، گروهی از صحابه مانند جابر بن عبد الله^۳، عبد الله بن عباس^۴ و عمر بن خطاب^۵ به این حکم تصریح کرده‌اند و مخالفتی با آن از ائمه‌ی اهل بیت نرسیده؛ بلکه در روایتی از جعفر بن محمد صادق رسیده است: «أَتَتْ الْمَوَالِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالُوا نَشْكُو إِلَيْكَ هَؤُلَاءِ الْعَرَبُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُعْطِينَا مَعَهُمُ الْعَطَايَا بِالسَّوِيَّةِ وَرَوَّجَ سَلْمَانَ وَبِلَالَ وَصَهْبِيًّا وَأَبُو عَلَيْنَا هَؤُلَاءِ وَقَالُوا لَا نَفْعَلُ فَذَهَبَ إِلَيْهِمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَلَّمَهُمْ فِيهِمْ فَصَاحَ الْأَعَارِبُ: أَبَيْنَا ذَلِكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَبَيْنَا ذَلِكَ فَخَرَجَ وَهُوَ مُغَضَّبٌ يُجَرُّ رِدَاؤُهُ وَهُوَ يَقُولُ: يَا مَعْشَرَ الْمَوَالِي! إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ صَبَرُوا كُمْ بِمَنْزِلَةِ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى يَتَزَوَّجُونَ إِلَيْكُمْ وَلَا يُزَوَّجُونَكُمْ وَلَا يُعْطُونَكُمْ مِثْلَ مَا يَأْخُذُونَ فَاتَّجَرُوا بِاللَّهِ لَكُمْ فَإِنِّي قَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: الرِّزْقُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٍ فِي التَّجَارَةِ وَوَاحِدَةٌ فِي غَيْرِهَا»^۶؛ «موالی (یعنی مسلمانان غیر عرب) به نزد امیر المؤمنین علیه السلام آمدند و گفتند: ما از این عرب‌ها به تو شکایت می‌کنیم، رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را به همراه آنان عطایای یکسان می‌داد و سلمان (فارسی) و بلال (حبشی) و صهیب (رومی) را زن داد، ولی این‌ها از ما دریغ می‌ورزند! پس آن حضرت به نزد آنان رفت و در این باره با آنان گفت‌وگو کرد، پس عرب‌ها فریاد برآوردند: این کار را نمی‌کنیم ای ابا الحسن این کار را نمی‌کنیم! پس آن حضرت بیرون آمد در حالی که خشمگین بود و ردایش کشیده می‌شد و می‌فرمود: ای گروه موالی! این‌ها شما را به منزله‌ی یهودیان و مسیحیان قرار داده‌اند، از شما زن می‌گیرند و به شما زن نمی‌دهند و به شما چیزی که می‌گیرند را عطا نمی‌کنند، پس تجارت کنید که خداوند به شما برکت دهد؛ زیرا من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده‌ام که می‌فرمود: روزی ده جزء دارد که نه جزء آن در تجارت و یک جزء آن در کارهای دیگر است» و این حاکی از امضا و تقریر رویه‌ی مسلمانان در «زن ندادن به یهودیان و مسیحیان» توسط ائمه‌ی اهل بیت است، تا حدی که بعید نیست عدم تصریح‌شان به آن ناشی از فرط وضاحتش بوده باشد؛

۱. التَّوْر / ۲۱

۲. البقرة / ۱۹۵

۳. مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۱۷۴ و ۱۷۶؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۷، ص ۱۷۲

۴. تفسیر القرآن العظيم لابن أبي حاتم، ج ۶، ص ۱۷۸۶؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۷، ص ۱۷۲

۵. مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۱۷۶؛ جامع البيان عن تأويل آي القرآن للطبري، ج ۲، ص ۵۱۴؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۷، ص ۱۷۲

۶. الكافي للكليني، ج ۵، ص ۳۱۸

خصوصاً با توجه به کراهت‌شان از ازدواج مردان مسلمان با زنان اهل کتاب که پیشتر تبیین شد و نهی‌شان از ازدواج زنان مؤمن با مردان مسلمان گمراه^۱ و با این وصف، می‌توان حرمت ازدواج زنان مسلمان با مردان اهل کتاب را از مسلمات مسلمانان در ادوار اسلامی دانست.

از اینجا دانسته می‌شود سخن برخی روشنفکر نمایان غیر متعمق درباره‌ی اینکه اصل بر جواز ازدواج با هر کسی است و دلیلی برای حرمت ازدواج زنان مسلمان با مردان اهل کتاب نرسیده است، مانند سخنشان درباره‌ی اینکه قیومیت مرد بر زن در زمان ما وجهی ندارد یا از عموم سخن خداوند در آیه‌ی «نفی سبیل» مستثنا است، چیزی جز بی‌پروایی و وسوسه نیست که به پیروی از اهواء نفسانی برخی و به منظور جلب رضایت برخی دیگر گفته می‌شود، در حالی که در جهان بینی توحیدی انسان باید تابع خداوند باشد و نباید خداوند را تابع خود پندارد، بر خلاف جهان بینی انسان محوران که با خودپرستی‌شان به جای خداپرستی، جهان را به فساد کشیده‌اند.^۲

حاصل آنکه اجماع مسلمانان از همه‌ی مذاهب در همه‌ی ادوار اسلامی بر حرمت ازدواج زنان مسلمان با مردان اهل کتاب، بدون دلیل نبوده، بلکه مبتنی بر ظواهر و عمومات کتاب خداوند و موافق با عقل سلیم و مصلحت امت بوده است و با این وصف، زنان مسلمانی که اخیراً در بلاد کفر به ازدواج با مردان یهودی و مسیحی تن می‌دهند، مطابق با اسلام عمل نمی‌کنند و آمیزش آنان در صورت علمشان به حرمت، «زنا» و در صورت جهلشان، «آمیزش به شبهه» محسوب می‌شود.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر معصومین (عج) جراسانی
چشم‌پیکر بهشتیان



۱. النوادر للأشعري القمي، ص ۱۲۸؛ الکافي للكليني، ج ۵، ص ۳۴۹؛ من لا يحضره الفقيه لابن بابويه، ج ۳، ص ۴۰۸؛ الإستبصار للطوسي، ج ۳، ص ۱۸۴
۲. درباره‌ی آنان، بنگرید به: بازگشت به اسلام، ص ۲۱.

www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع رسانی دفتر معصومین (عج) جراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.